

تحلیل ارتباط چندهمسری با نقارهای خانوادگی با نگاهی بر قانون حمایت خانواده

علی افرا^۱

چکیده:

در بین تمامی آیین‌های اجتماعی ازدواج جهت دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و ارتباط با همسر جنبه‌ی مرکزی زندگی عاطفی و اجتماعی است. در این بین، چندهمسری به‌عنوان یکی از علل نقارهای خانوادگی به مفهوم اختیارکردن بیش از یک زن، در نزد شارع مقدس، منوط به شرایط خاص و رعایت عدالت است. این نوشتار ضمن تعریف چندزنی، نظریات مختلف در ارتباط با آن را بررسی نموده و ارتباط چند همسری با نقارهای خانوادگی را با نگاهی بر قانون حمایت خانواده مورد تحلیل قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد چند همسری سبب احساس شکست در زندگی، احساس تنهایی، بی‌اعتمادی و بروز مشکلات اجتماعی و خانوادگی در زنان می‌شود که در نهایت منجر به نقار خانوادگی می‌شود.

واژگان کلیدی: چندزنی، حقوق خانواده، عرف، مشکلات اجتماعی و اقتصادی،

اخلاق، نقار خانوادگی.

مقدمه و بیان مسئله

خانواده، هسته‌ی مرکزی اجتماع به‌شمار می‌آید و نخستین اجتماعی است که شخصیت و هویت افراد در آن شکل می‌گیرد و آداب و اصول زندگی اجتماعی و اخلاقی در

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.

آن‌ها نهادینه می‌شود. این نهاد اجتماعی و عاطفی نیازمند ثبات و استحکام بر مبنای تعهد و اعتماد متقابل زناشویی است.

در دوران معاصر گسترش تحولات اقتصادی و فرهنگی نقش مهمی در تغییر ساختارها و نهادهای اجتماعی داشته است. خانواده، به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، نقش مهمی در انسجام اجتماعی و حفظ ارزش‌های اجتماعی دارد. خانواده می‌تواند از تباهی افراد که منجر به انحطاط و گسیختگی روابط اخلاقی و اجتماعی می‌شود، جلوگیری نماید.

در این بین، برخی از قواعد حقوق مدنی و خانواده وجود دارند که در برخی از حالات زندگی اجتماعی که در مرحله‌ی گذار از دوره‌ی کلاسیک و سنتی به دوره‌ی مدرن می‌باشد به ثبات و استحکام باطنی خانواده‌ها لطمه می‌زند. از جمله‌ی این قواعد، مسئله‌ی تعدد زوجات یا چندهمسری است که مبتنی بر شریعت ناب اسلامی می‌باشد.

در دوران گذشته که روابط زناشویی مبتنی بر برخی سنت‌ها و عرف‌های اجتماعی بوده و حقوق خانواده بر حسب تفکرات سنتی تعریف می‌شد، تعهد و در واقع اخلاق خانوادگی و هنجارهای درون خانواده براساس تفکرات سنتی رایج عملی می‌گردید اما در دوران معاصر، تعهدات و حقوق متقابل زناشویی برحسب حقوق و قوانین مکتوب شرعی و قانونی تعریف می‌شود.

از طرف دیگر، با توجه به مشخصه‌های روانی زنان و همزمان با گسترش تحصیلات دانشگاهی آن‌ها و تغییر نگرش‌ها نسبت به ادوار گذشته موجب شده است که آن‌ها نسبت به وابستگی‌های عاطفی و اخلاقی خود حساس شوند، به‌حدی که علی‌الخصوص در مورد این که مردان بخواهند محبت و عاطفه و آرامش درونی خود را با شخص دیگری تقسیم کنند، عکس‌العمل‌های شدیدی را از خود بروز می‌دهند.

این مباحث موجب شده است تا در مورد این حقوق و آزادی‌های مدنی اشخاص به‌طور جدی مطالعه و بررسی علمی و اجتماعی صورت گیرد تا بتوان این احکام و قواعد را مبتنی بر نیازهای فردی و اجتماعی زنان و مردان منطبق کرد. به‌طوری‌که نمی‌توان

به صورت مطلق این نوع از قواعد را ردّ یا به طور کلی آن‌ها را زمینه برای گسترش روابط غیراخلاقی و گاه غیررسمی مردان هوسرانی قرار داد که به هیچ منطق و قاعده‌یی پایبند اصول انسانی و اخلاقی نیستند.

پس باید چاره‌یی برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی و استفاده‌ی صحیح از این قواعد که در بسیاری از مواقع زندگی را به جهنم سوزانی برای خانواده‌ها تبدیل می‌سازد، اندیشید. چندهمسری، در اصطلاح عامیانه، به معنای تجدید فرآش مرد است که زن اول او هنوز در قید حیات بوده و رابطه‌ی زوجیت ایشان مستدام می‌باشد. البته این امر حقّی است که بر مبنای آیات شریفه‌ی ۲ و ۳ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء و با توجه به مصالح فردی و اجتماعی آن روزگار مقرر شده است تا مردان بتوانند بیش از یک زن را به همسری خود برگزینند.

این نوشتار، در چهار گفتار، به شرح زیر، به بررسی موضوع می‌پردازد:

۱ - کلیات

۲ - رویکردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی

۳ - رویکرد عرف نسبت به ماهیت مسئله

۴ - چندزنی در حقوق مدنی

۱ - کلیات

مطالعه و بررسی مبانی و اصول چندهمسری به‌عنوان یکی از مباحث مربوط به حقوق خانواده که بیشتر در کشورهای اسلامی رایج می‌باشد، هر چند که در نوشته‌های برخی از نویسندگان غربی به نظر می‌رسد که موضوع را قبول نموده‌اند،^۱ مستلزم بیان تعاریف و توضیحاتی در خصوص این بحث از کارکرد حقوقی می‌باشد، در این گفتار به شرح مختصر این مفاهیم می‌پردازیم.

۱ - ۱ - مفهوم چند همسری

چندهمسری (چندزنی) که در اصطلاح، عبارت است از این که یک مرد با داشتن زن

1. Samuel, Chapman, polygamy and bigamy and human rights law, 2001, united states of American Libris corporation, p:80

قانونی و اولی خود بتواند یک یا چند زن دیگر را به‌طور هم‌زمان در زوجیت داشته باشد. داشتن بیش از یک زن که اغلب در جوامع اسلامی از جمله در ایران به رسمیت شناخته شده است و در کشورهای غربی ممنوع و برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه می‌پندارند، در فرهنگ‌های حقوقی بدین صورت تعریف شده است: جرم فرد متأهلی که در دوران حیات زن قبلی خود با شخص دیگری ازدواج کند^۱ و همچنین جرم مربوط به ازدواج آن‌هایی که به‌صورت آگاهانه برای دومین بار دست به این کار می‌زنند، در حالی که هنوز ازدواج اول پابرجا است.^۲

هم‌چنین در حقوق کیفری، چندزنی به انعقاد ازدواج به‌صورت رسمی که ازدواج قبلی بدون این‌که منحل شده باشد، تعریف شده است.^۳ لازم به یادآوری است که کلمه‌ی Bigamy در مفهوم چند شوهری نیز کاربرد دارد ولی از آنجایی که موضوع بحث ما چندزنی است از ذکر مفهوم چند شوهری خودداری می‌شود.

۱ - ۲ - پیشینه بحث در ادیان مختلف

۱ - ۲ - ۱ - تعدد زوجات قبل از اسلام

بعضی تصور کرده‌اند که اسلام مبتکر تعدد زوجات بوده است ولی این پندار و ادعایی نادرست است و تاریخ نشان می‌دهد که چندزنی قبل از اسلام هم در میان بسیاری از ملل به‌ویژه ملل شرق اعم از یهودی، ایرانی، عرب و غیره شایع بوده است.

در میان اعراب زمان جاهلیت، تعدد زوجات شایع بوده و حد و حصری نداشته است. در تورات، تعدد زوجات به رسمیت شناخته شده و این کار در میان یهودیان مرسوم بوده است. آرتور کریستین سن در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» می‌گوید: اصل تعدد زوجات اساس تشکیل خانواده در ایران ساسانی به شمار می‌رفت و در عمل تعداد زنانی که مرد

۱. کرزون، ال. ب، فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی، مترجمان گلکاریان، قدیر و همکاران، ج. اول، دانش‌یار، تهران، ۱۳۸۴.

۲. آقای، بهمن، فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی براساس Black's law dictionary، ج. ۴، کتابخانه گنج‌دانش، تهران، ۱۳۸۷.

3. Bigamy(in civil jurisprudence) see: www. Advent .org.

می‌توانست داشته باشد به نسبت توانایی مالی او بود. در ظاهر، مردم کم‌بضاعت به کلی بیش از یک زن نداشتند.^۱

تحت فرقه‌ی مذهبی Bible solomon، چندهمسری جرم محسوب نمی‌شده است و فقط چند شوهری جرم بود. و چندزنی تحت قوانین کامن لا جرم نبود و فقط توسط کلیساها به‌عنوان این که یک بزه کلیسایی محسوب می‌شد، مورد مجازات قرار می‌گرفت ولی بعدها به‌دلیل قانون‌گذاری وارد حقوق موضوعه شد و به‌عنوان یک جرم مشدد (felony) محسوب گردید.^۲

۲- ۱- تعدد زوجات در اسلام

از آنچه گفته شد، روشن شد که تعدد زوجات قبل از اسلام، در بسیاری از سرزمین‌ها از جمله شبه جزیره‌ی عربستان وجود داشت و اسلام نمی‌توانست و مصلحت نبود که آن را یک‌سره از میان ببرد؛ لیکن برای حمایت از زن و جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی که از نظام چندزنی می‌شد، حدود و قیودی بر آن مقرر داشت: اسلام تعدد زوجات را به حداکثر چهار زن دائم محدود کرد و انگهی شرط مهمی برای چندزنی وضع نمود که عبارت است از شرط عدالت. قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»، یعنی اگر بیم دارید که عدالت را رعایت نکنید فقط به یک زن اکتفا کنید. (سوره‌ی نساء - آیه ۳).

بعضی گفته‌اند چون رعایت عدالت بین زنان متعدد غیر ممکن است تعدد زوجات در اسلام، تعلیق به محال شده و ممنوع است ولی این تفسیر درست نیست. به‌علاوه، تعدد زوجات در میان مسلمانان از صدر اسلام تاکنون وجود داشته و عمل و سیره‌ی مسلمانان حاکی از مشروعیت آن در اسلام است. اما باید یادآور شد که اسلام تعدد زوجات را برای موارد استثنایی تجویز کرده و اصل در اسلام نظام تک‌همسری است. رعایت عدالت هم هرچند که غیرممکن نمی‌باشد، کاری است بس دشوار که از هر کس ساخته نیست.^۳

۱. صفایی، حسین؛ امامی، اسد...، حقوق خانواده، ج. اول، ج. ۶ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

2. Slovenko, Ralph, legal essay, vol 17, journal of family law, 1978-79, p297.

۳. صفایی، همان، صص. ۹۹ - ۱۰۰، ش. ۸۸.

۳- ۱ - مروری بر نظریات و استدلال‌های طرفداران چندهمسری

هر چند عدالت‌خواهی و احقاق حقوق زنان ازسوی پرچم‌داران موافق چندهمسری همیشه با حق‌طلبی منصفانه همراه نبوده و اغلب وسیله‌ی تبلیغات در دست مغرضان گردیده تا بتوانند با اتهام‌های بی‌جا، اندیشه‌ها و آرای مخالف خود را غیرمنصفانه و به دور از عدالت و حق‌نگری عنوان کنند؛ در این میان، بیشترین تازیانہ را بر پیکر اسلام فرو می‌کوبند. یکی از دست‌آویزهای عدالت‌خواهی این تیپ افراد برخورد با مسئله‌ی تعدد زوجات است. اینان مجوز دادن به این مسئله را بدون دقت در جوانب احکام اسلامی، چندهمسری را مردود و آن را مترادف با برده‌داری قلمداد کرده و چنین تصور می‌کنند که در عمل با مشروعیت چنین عملی راه برای نظام برده‌داری باز شده است.^۱

در اغلب اجتماعات، عده‌ی زنان آماده‌ی ازدواج، بیشتر از مردان است و در این صورت، مصلحت اجتماعی اقتضا می‌کند که تعدد زوجات پذیرفته شود تا همه‌ی زنان بتوانند شوهر داشته باشند و از مزایای تشکیل خانواده محروم نمانند. حق تأهل از طبیعی‌ترین حقوق بشری است. هیچ بشری را نمی‌توان از این حق محروم کرد و حق تأهل حقی است که فرد در اجتماع دارد.

بر مبنای این حق که از قرآن کریم استفاده شده است، اولین مسئله‌ای که در آن بیان شده است حل مسئله‌ی سرپرستی یتیمان است، نه حل مشکل جنسی مردان زیاده‌طلب! توضیح آن که یکی از معضلات پیچیده‌ی جامعه‌ی قبیلگی معاصر ظهور اسلام، فقدان دولت مرکزی و سازمان‌های حمایت‌کننده‌ی اجتماعی هم‌چون نواخانه، پرورشگاه، گرمخانه و امثال آن و موضوع اداره‌ی زندگی زنان بیوه و فرزندان بی‌پدر است که سرپرست خود را در جنگ‌ها از دست می‌داده‌اند و اداره‌ی زندگی این یتیمان در روزگار فقر و جهل، نیاز مبرم و فوری‌ترین وظیفه‌ی اجتماعی به شمار می‌رفته است.

بعضی از مردان به علت داشتن گزینه‌ی جنسی نیرومند نمی‌توانند به یک زن اکتفا

کنند، به‌ویژه آن‌که زن برحسب طبیعت در اثر قاعدگی و بارداری، در پاره‌ای اوقات، نمی‌تواند تمایلات مرد را ارضا کند.

ممکن است که زن نازا باشد. در این صورت نمی‌توان مرد را از داشتن فرزند محروم کرد و تعدد زوجات این نیاز طبیعی و انسانی را برطرف می‌سازد. اگر زن اول بداند که شوهر در انتخاب همسر جدید مجوز دارد خواه این مجوز نازا بودن زن یا احتیاج کشور به زیاده جمعیت یا نامساوی شدن زن و مرد از لحاظ جنسیتی باشد و روآوردن به چندهمسری به معنای پشت‌کردن به او نمی‌باشد، مسلم است که از ناراحتی‌ها کاسته می‌شود.^۱

تولید نسل و افزایش آن با این واقعیت روبه‌رو است که زنان زودتر از مردان از تولید نسل عقیم می‌شوند و اگر مرد همچنان دارای احساس فرزندخواهی باشد و این غریزه‌ی خود را ارضانده ببیند و شرایط و امکانات فرزنددارشدن را نیز داشته باشد، راهی جز پذیرش چندهمسری نیست.

از نظر اسلام دو شرط اساسی برای ازدواج است:

- توانایی رعایت عدالت میان همسران و تأمین نیازهای روحی و عاطفی آن‌ها به‌گونه‌ای که در رفتار و گفتار مرد نشانه‌ای از تحقیر و تخریب شخصیت یکی از همسران مشاهده نشود.

- توانایی اداره‌ی زندگی از نظر مالی و تأمین نیازهای مشروع و طبیعی همسران و فرزندان.

نگاه به مسئله از چشم مصلحت و منفعت شخصی بدیهی است که منجر به شکل‌گیری روحیه‌ای در زن می‌شود که از نظر او این نوع از همسرگزینی به منزله‌ی پایان عشق است. زیرا مشکلاتی که چندهمسری در روابط بین اعضای دو خانواده‌ی شکل‌یافته به‌وجود می‌آورد را نمی‌توان نادیده انگاشت و همچنین به این مسئله نمی‌توان از زاویه‌ای که عمدتاً جوامع غربی به ظاهر متمدن امروز، به زن نگاه می‌کنند، یعنی روابط نامشروع

۱. مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، ج. ۱۵، انتشارات صدرا، ص. ۴۳۶، تهران، ۱۳۷۰.

نگاه کرد و همه‌ی ابعاد مسئله را پیرامون این گرایش هرچند نیرومند تفسیر کرد.^۱
 نظر به این که تعدد زوجات ناشی از یک مشکل اجتماعی است نه طبیعت ذاتی مرد،
 بدیهی است که اگر در اجتماع، فزونی نسبی عدد زنان نیازمند بر مردان نیازمند وجود
 نداشته باشد، تعدد زوجات نیز از میان خواهد رفت یا بسیار کم خواهد بود.^۲

۴ - ۱ - مروری بر نظریات و استدلال‌های مخالفان چندهمسری

سعادت و خوشبختی زندگی زناشویی در گرو صفا، صمیمیت، گذشت، فداکاری، وحدت
 و یگانگی است و همه‌ی این‌ها در چندهمسری به خطر می‌افتد. گذشته از وضع نابه‌هنجار
 زنان و فرزندان دو مادر، از نظر خود شخص نیز آن قدر مسئولیت تعدد زوجات سنگین و
 خردکننده است که رو آوردن به آن، پشت کردن به مسرت و آسایش است.

از بزرگترین نتایج تمکین به تک‌همسری این است که به همان نسبت که هر دو پیرتر
 می‌شوند، احساس داشتن کسی که بتواند به او اعتماد کنند به‌طور پررنگ‌تری جلوه‌گری
 می‌کند و امری گرم‌کننده برای گذران زندگی سالم و بدون تنش از این برهه‌ی زندگی است.
 چندهمسری محیط زندگی خانواده را که باید کانون مهر و نیکی باشد به میدان جنگ
 تبدیل می‌کند و عداوت و دو دستگی یا چنددستگی را بین اعضای خانواده پدید می‌آورد.

هولوگری ضرب‌المثل ناسازگاری است برای زن و دشمنی بالاتر از هوو وجود ندارد.
 چندهمسری زنان را به قیام و اقدام علیه یکدیگر و احیاناً شوهر وا می‌دارد و محیط
 زناشویی را که اولین مدرسه و پرورشگاه روحی کودکان است و باید الهام‌بخش نیکی و
 مهربانی باشد، درس‌آموز نفاق و نامردی است.

بیشتر مردان در جوامع چندزنی، تنها یک همسر دارند و حق داشتن چندین زن اغلب
 محدود به افرادی می‌شود که دارای منزلت والایی هستند. درجایی که این گونه محدودیت‌ها
 وجود ندارد، نسبت جنسی و عوامل اقتصادی مانع چندزنی می‌شود.^۳

از نظر حقوقی، ایرادی که به چندزنی وارد شده، این است که به‌موجب عقد نکاح

۱ و ۲. تعدد زوجات: [http:// daneshnameh. roshd. ir/ mavara/ mavara- browse- categories. php](http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-browse-categories.php) ?

۳. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، مترجم منوچهر صبوری، ج. ۴، ص. ۴۱۶، نشر نی، تهران، ۱۳۷۷.

هریک از زوجین به دیگری تعلق دارد و از آن او می‌شود. حق استمتاعی که هرکدام به دیگری پیدا می‌کند از آن جهت است که منافع زناشویی طرف را به موجب عقد مالک می‌شود. از این رو، در تعدد زوجات که ذی‌حق زن اول است و رابطه‌ای که میان مرد و زن دیگری صورت می‌گیرد، در حقیقت یک رابطه‌ی فضولی به شمار می‌آید. زیرا جنس مورد معامله یعنی منافع زناشویی مرد قبلاً به زن اول فروخته شده است و جزء مایملک او حساب می‌شود و آن شخصیت و فردی که در درجه‌ی اول، نظرش باید رعایت شود، زن اول می‌باشد. البته در جواب گفته شده است که ازدواج یک نهاد اجتماعی و غیرقابل قیاس با معاملات می‌باشد. حقوق و تکالیف زوجین به صورت قانونی معین شده و اراده‌ی افراد نقش مهمی در این زمینه ایفا نمی‌کند.^۱

تعدد زوجات مورد بحث و انتقاد بسیاری از متفکران و دانشمندان واقع شده و طرفداران و مخالفان جدی دارد. اروپاییان عموماً با تعدد زوجات مخالفاند و آن را عملی برخلاف موازین انسانی و بشری می‌دانند. این که این عمل چگونه با مسائل تبعیض جنسیتی به طور متقابل عمل می‌کند که مشکلات آن بر اجتماع به برابری جنسیت‌ها در ازدواج و مشکلات ناشی از آن که منجر به فراهم شدن مشکلات حقوق ازدواج مجدد برای هر دو طرف می‌شود که مرد نمی‌تواند توازن مالی میان زنان متعدد را برقرار سازد و در واقع مرد به یکی از آن‌ها گرایش زیادی دارد.

برخی از پروتستان‌ها می‌گفتند که چندهمسری برای پادشاه است و برای بقیه اگر اجازه داده شود، به علت جلوگیری از رسوایی گسترده باید ممنوع شود.^۲

در حقوق انگلستان که از سال ۱۶۰۴ م. چندهمسری به عنوان جرم شناخته شد و در این سال‌ها، مجازات آن تبعید به مدت هفت سال بود، ازدواج دوم در صورتی مورد قبول بود که ازدواج قبلی به حکم دادگاه منحل شده یا این که زن اول به مدت هفت سال، مرد

۱. صفایی، همان، ص. ۹۷، ش. ۸۶.

2. Samuel, chapman . op.cit.p24

ترک گفته باشد.^۱

در برخی از پرونده‌های حقوقی انگلستان استدلال شده که تک‌همسری منشأ امنیت اجتماعی است و کمک‌های اجتماعی نیز برمبنای آن طراحی شده‌اند و برخی توجیهاتی را به شرح زیر در ممنوعیت چندهمسری بیان کرده‌اند:

- دلسرد کردن افراد نسبت به ایجاد روابط جنسی که از طریق فریب ایجاد می‌شود.

- جلوگیری از بی‌حرمتی عمومی نسبت به زن اول و ترک انفاق و عدم حمایت از او.

- جلوگیری از تنش در سیستم ثبت عمومی ازدواج.

- حمایت از احساسات مذهبی جرایم مرتبط با بی‌حرمتی نسبت به تشریفات ازدواج و

این‌که طبق ماده‌ی ۱۴ کنوانسیون حقوق بشر اروپا بهره‌مندی از حق و آزادی‌های فردی

بدون تبعیض جنسی برای همه است.^۲

از این نظر که روابط زناشویی برای آرامش و آسایش در خانواده و نظم عمومی جامعه

مؤثر است^۳ و در واقع، افعال خلاف اخلاق و وجدان محسوب می‌شود،^۴ باید چندهمسری

ممنوع گردد.

در اغلب قوانین کشورهای جهان، چندهمسری جرم تلقی می‌شود. چندهمسری در

نظام کامن‌لا در حقوق انگلستان جرم محسوب نمی‌شد و فقط به‌عنوان این‌که یک جرم

کلیسایی بود، مجازات می‌شد ولی سپس به‌وسیله‌ی قانون‌گذاری به‌عنوان جرم مشدد وارد

حقوق موضوعه که محتوای مقررات چنین است؛ اگر شخصی که همسر قبلی او زنده است

با دیگری ازدواج کند یا این‌که با شخص دیگری رابطه داشته باشد، بدون این‌که ازدواج

رسمی صورت گرفته باشد محکوم به حبس با جزای نقدی که کمتر از ۲ و بیشتر از ۵ سال

نخواهد بود، خواهد شد.^۵

مقررات کیفری هم‌چون مقررات مدنی مقرر می‌دارد که ازدواج باید برمبنای

1. chapman, op.cit .p 27

2. Chapman.op.cit. pp 56-67

3. Charles I, cetti, comment mercr law review, vol15, 1963, p 277

4. Bigamy is malum isse

5. ralph, slovenko, op.cit. p 297.

تک‌همسری باشد. علتش آن است که در تک همسری توجه به بچه‌ها با قسط و برابری بین آن‌ها مقرر شده است که در چندهمسری ممکن است به‌علت محدودیت در زمان و پول از دیگران غفلت کند.^۱

در قرن ۱۹ م. در ایالت متحده امریکا دولت فدرال برنامه‌های جدی را برای حذف کردن چندهمسری اجرا نمود و در سال‌های ۱۸۶۲، ۱۸۸۲، ۱۸۸۷ مجازات‌های مدنی و کیفری گسترده‌ای را علیه آن وضع نمود. چون که قوانین ضد چندهمسری در اساس برای حمایت از زنان و کودکان و قوانین طلاق و آزادی زنان طراحی شده‌اند.^۲

طبق ماده‌ی ۹۸۵ قانون مدنی چین، شخص متأهل، از ازدواج با شخص دیگری منع شده است و طبق اصلاحات سال ۱۹۸۵ ازدواج دوم باطل است. چون طبق ماده‌ی ۱۵۶ قانون اساسی این کشور دولت به‌منظور استحکام بنیان زندگی ملی و توسعه‌ی آن از حق مادری زنان و کودکان حمایت خواهد کرد و سیاست‌های مترقی را به‌منظور رفاه عمومی و حمایت از آنان اجرا خواهد کرد.^۳

اگر دین اسلام همانند آیین‌های دینی دیگر از وحدت زوج زمانی که مرد توانایی برقراری عدالت و توازن را در بین آن‌ها نداشته باشد، حمایت می‌کند و از تعدد زوجات در شرایطی خاص پشتیبانی می‌نماید ولی از نظر اخلاقی اگر نتوان بنیان چنین مجوزی را توجیه کرد، این اجازه‌ها در عمل نمی‌تواند متضمن حقوق پایدار و پناهگاهی برای زنان باشد. زیرا تعدد زوجات ناگزیر به بنیان مستحکم خانواده ضربه زده و حضانت و سرپرستی کودکان را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد و با مقتضیات زندگی مشترک به کلی تزاخم و تباین دارد.^۳

۲- رویکردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی

ازدواج برای زن به مثابه‌ی یک تولد است. همان‌گونه که نوع و کیفیت ساختار

1. slovenko, op.cit, pp 297-298.

2. N T. LI. NIGEL and JOYCE C. FAN AN UNCOMMON Case of Bigamy, An Uncommon Constitutional Interpretation, 1990, journal of chine law, pp 70-75

۳. حکیم‌پور، محمد، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، ج. ۲، انتشارات نغمه‌ی نواندیش، ۱۳۸۴، صص. ۱۶۲ - ۱۶۳.

فرهنگی، اقتصادی و شخصیتی یک خانواده تقدیر کودکی را که در آن متولد شده است، به شکل مثبت و منفی رقم می‌زند؛ پس از ازدواج، وابستگی و مقید شدن زن نیز نسبت به شوهر بیشتر می‌شود تا اطرافیانش.

دردناک‌ترین مصیبت زندگی بسیاری از زنان فقدان محبت یعنی نداشتن فرد یا افرادی است که ایشان را دوست داشته باشند و به آنان ابراز علاقه کنند و در واقع، دوستی‌ها و محبت‌ها و فداکاری‌های آنان را پاس دارند. اگر موقعیت خاص عاطفی زن، نیاز شدید او به کسی که او را دوست بدارد در اثر بی‌توجهی و نادانی مورد غفلت قرار گیرد و یا با تلاش‌های صادقانه‌اش برخورد تجاری شود، فضای زندگی برای او آمیخته با ناامنی و تعارض روانی، خمودگی و مرگ عاطفی خواهد شد.

برای زن، ازدواج، پیوندی بالاتر از شهوت و نیاز جنسی است. در ازدواج زن به دنبال پایداری در عشق، وفاداری محکم و استواری دائم و دوام و استمرار محبت می‌باشد. در دنیای روانی یک زن عشق را پایانی نیست و اگر برای آن، به هر دلیل، نقطه‌ی پایانی تعیین شود، این مساوی است با حضور ویران‌کن انواع نابه‌سامانی‌های روانی، فکری و اجتماعی.^۱

حال اگر قوانینی باشد که بتواند دنیای روانی، عشق و محبت استحکام‌یافته را برهم بزند، این زنان چه مشکلاتی از نظر روانی خواهند داشت. تأییدها و توجه اجتماعی و نگاه معنادار خویشاوندان و اطرافیان زن به یک زن شکست‌خورده در اداره‌ی زندگی جز تحقیری دردآور، نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

بیشتر زنان تن به این مسئله نمی‌دهند و عکس‌العمل‌های شدیدی در مقابله با این موضوع انجام می‌دهند که ناشی است از این باور که زنان این دگرگونی اجتماعی و خانوادگی را اجحاف در حق زن و فروپاشی زندگی می‌دانند، بر این باورند که مرد نمی‌تواند در دوست داشتن هر دو زن عدالت را رعایت نماید.

۱. رافعی، طلعت، *تحلیلی بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت*، ج. اول، نشر دانژه، تهران، ۱۳۸۲، صص ۷-۹.

با توجه به نظریه‌های جامعه‌شناختی از آنجایی که مردان بیشتر درگیر مشکلات زندگی اجتماعی نظیر شرکت در جنگ و فعالیت‌های مختلف خطرناک جهت کسب معاش هستند، بیشتر در معرض مرگ و میر بوده و عمرشان کوتاه‌تر از عمر زنان است و همچنین مرگ‌ومیر در کشورهای توسعه‌نیافته به علل زیر بیشتر است:

- امکانات بهداشتی در این کشورها کمتر است.

- جنگ در این کشورها بیشتر شیوع دارد و این مصایب اجتماعی باعث می‌شود که همواره تعداد زنان بدون شوهر زیادتر باشد.

در برخی از مواقع، زن به صورت ارثی عقیم است یا بعد از ازدواج به دلایلی عقیم شده یا به مرض عصبی مبتلا می‌گردد. در این صورت، شوهر یا زن را طلاق می‌دهد و یک زن بی‌سرپرست به جامعه افزوده می‌شود یا این که زن دوم اختیار می‌کند که البته شق دوم اتفاق می‌افتد؛ زیرا طلاق زن اول موجب می‌شود که او سرگردان و بدبخت شود و کرامت نفس یا منزلت اجتماعی او به خطر بیفتد. زیرا با این وضعیت، فرصت ازدواج مجدد نخواهد داشت. با توجه به مشکلات فرهنگی و معیشتی فرهنگ غالب جامعه ایران موافق چندهمسری نیست بلکه به اعتراف بسیاری از جامعه‌شناسان و اندیشمندان افکار عمومی جامعه در تضاد با چندهمسری است.^۱

۳- نگرش عرف نسبت به ماهیت مسئله

اصولاً مؤلفه‌ها و عوامل مختلف اجتماعی از جمله رویکردها، نگرش‌ها، تلقی‌ها، برداشت‌ها و تعاریف مختلف اجتماعی از امور و پدیده‌های گوناگون، اثر غیرقابل انکار بر جنبه‌ها و ابعاد مختلف زندگی افراد هر جامعه دارد. مطالعات فرهنگی دامن‌های مانور نگرش و طرز تفکرهای اجتماعی گاه آن چنان گسترده می‌شود که حتی بر روابط بین فردی و خصوصی افراد خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد و بسیاری از افراد به

۱. رمضان نرگسی، رضا، *بازتاب چندهمسری در جامعه*، سایت: www.Hawzah.Net/per/magazine.Index.htm
کتاب زنان شماره‌ی ۲۷.

واسطه‌ی آن نگرش‌ها رابطه‌ی خود را مورد ارزیابی و بررسی قرار داده و چه بسا که این طرز تلقی و تعاریف اجتماعی از امور منجر به تحولات مثبت و منفی در میان آنان گردد. برای مثال، می‌توان از نگرش جامعه نسبت به اموری مانند طلاق، بیوه شدن، بیکاری، تحصیل و کسب مدرک و مواردی از این قبیل نام برد.^۱

افراد ممکن است نسبت به یک موضوع نگرش مخالف یا موافق با نگرش حاکم بر جامعه‌ی خود داشته باشند. با توجه به این که از نظر اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی و زیست‌شناختی به هم وابسته‌اند، تغییر در روش زندگی موجب اختلال این روابط می‌شود و این چنین نیازهایی است که مردم را با هم نگره داشته است.

در سال‌های اخیر، در رسانه و در مجموعه‌های تلویزیونی، موضوع تجدید فراش مردان همانند یک رویه‌ی عادی و معمول نشان داده شده است که قبح انجام این کار را در جامعه از بین می‌برد، در اکثر سریال‌ها مردان به واسطه‌ی عدم خویشتن‌داری و بدون توجه به آثار این کار و بدون اضطرار، عجولانه، اقدام به چنین عملی می‌نمایند.

علاوه بر رواج بی‌اعتمادی در بین زنان اولی که شوهرانشان به ایشان خیانت کرده، احساس بی‌وفایی در زن متبلور می‌شود و آن عشق و علاقه‌ی اولیه‌ای که شوهر به‌طور معمول در سال‌ها یا ماه‌های اولیه نسبت به زن اول خود ابراز می‌کرد با ازدواج مجدد شوهر فرو می‌ریزد و زن احساس می‌کند که شوهر دیگر او را دوست ندارد و زندگی با او بی‌فایده است.

با توجه به نگاه مردم به مردان دارای چند همسر که با دید شهوت‌ران و هوس‌ران به آنان نگریسته می‌شود، این طرز فکر به‌خودی‌خود منجر به طرد و قطع روابط با این نوع تیپ از افراد می‌شود و براساس باورها و نگرش‌های مذهبی افراد کسانی که به این نوع از رفتارها دست می‌زنند، اشخاصی پست و بی‌غیرت تلقی می‌شوند.

با توجه به این مطالب و گذشته از این‌ها مشکلاتی که در خانواده‌های ناتنی با رقابت

۱. رافعی، همان، ص. ۵۳.

بین فرزندان و تیرگی در روابط همسران به وجود می‌آید و نگرش‌های منفی که در ذهن کودکان نسبت به این موضوع ایجاد می‌شود، منجر به شکل‌گیری شخصیتی دوگانه در آن‌ها می‌شود که از یک‌طرف غیرتمند و متعصب و وابسته به خانواده به بار می‌آیند و از طرف دیگر، با یادگیری الگوهای نفاق‌آمیز و خائنه، افرادی نابه‌نجار و انتقام‌جو در جامعه تلقی می‌شوند که در واقع، برخورد این دو نوع از رفتارهای متضاد با هم، تأثیر گسترده‌یی در روابط بین نوجوانان و جوانان و احیاناً با جنس مخالف به وجود می‌آورد و آن موقع است که به فکر حل مشکلات فرهنگی و اخلاقی روی می‌آوریم.

۴- چندزنی در حقوق مدنی

در حقوق جدید ایران از دیدگاه فقه اسلامی و عرف و سنت مردم، تعدد زوجات منع نشده است. دلایلی مانند نازایی زن، عدم قدرت او به ایفای وظایف زناشویی، ابتلای زن به جنون، عدم تمکین زن از شوهر و به‌خصوص فزونی عدد زنان آماده‌ی ازدواج بر مردان در زندگی امروز، چندزنی را در موارد استثنایی توجیه می‌کند.

قبول نظام چندزنی در موارد استثنایی، کم‌ضررتر از آن است که مرد، رابطه‌ی نامشروع با زنان دیگر داشته باشد و یا زن خود را که در عمل، حاضر به طلاق نیست، رها سازد و از انجام وظایف خود نسبت به او سرباز زند.

لیکن امروزه نمی‌توان به زن دار اجازه داد که آزادانه و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی اقدام به ازدواج مجدد کند. زیرا آزادی چه بسا موجب سوءاستفاده‌ی مرد خواهد شد. در زمانی که مبانی اخلاقی و مذهبی مردم استوار بود، مردان کمتر، از این اختیار، سوءاستفاده می‌کردند. وقتی که مردی به اصول و دستورهای اخلاقی و مذهبی پایبند باشد از تعدد زوجات پرهیز می‌کند و جز در موارد استثنایی و با اطمینان کامل به رعایت عدالت در میان زنان متعدد، به یک زن بسنده می‌کند.^۱

۱. صفایی، همان، ش. ۸۹، صص. ۹۹ - ۱۰۰.

۱ - ۴ - تحلیل شرایط تعدد زوجات با توجه به قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳

قانون حمایت خانواده در ماده‌ی ۱۶ خود شرایطی را مقرر کرده است که با تحقق آن‌ها مرد قادر به ازدواج مجدد می‌شود. در مورد این شروط آنچه به نظر می‌رسد این است که با توجه به مشروعیت چندزنی در شریعت اسلامی و منطبق بودن شرایط تحقق آن با مصالح اجتماعی و فردی به نظر می‌آید که قانون در راستای ایجاد محدودیت در مورد این شاخصه‌ی مهم اجتماعی گام برمی‌دارد.

به هر حال، کسی که دارای این شرایط باشد، می‌تواند با مجوز دادگاه زن دوم اختیار کند. از طرفی با توجه به غیرشرعی شناخته شدن ضمانت اجرای کیفری موجود در ماده‌ی ۱۷ این قانون که از سوی فقهای شورای نگهبان در سال ۱۳۶۳ در مورد ازدواج غیررسمی مردان اعلام شد،^۱ راه برای فرار مردان بی‌مسئولیت نسبت به خانواده‌ی اولی شکل می‌گیرد. چون وقتی که قانون از ضمانت اجرای لازم برخوردار نباشد، نمی‌تواند اثر بازدارندگی مثبت را از خود منعکس سازد. زیرا طبق تعریفی که از حقوق و قانون می‌شود در آن به یک قاعده‌ی کلی و الزام‌آور که دارای ضمانت اجرای خاصی باشد، نگریسته می‌شود.

پس اگر عدم مشروعیت مجازاتی که برای شوهر بدون تحصیل اجازه‌ی دادگاه در ماده‌ی ۱۷ قانون حمایت خانواده اعلام شده است، آیا می‌توان چنین قوانینی را، قانون در مفهوم خود دانست؟ بدون تردید، نمی‌توان اثر قانون را بر آن‌ها بار کرد، وقتی که ضمانت اجرای قانون تضمین‌کننده‌ی رعایت آن می‌باشد و در سایه‌ی حاکمیت قانون به آن جامعه‌ی عمل پوشانده می‌شود؛ پس این قانون حمایت خانواده، چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟!

در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ مواد ۱۶ و ۱۷ متضمن قواعد تازه‌ای است که ماده‌ی ۱۶ آن، این‌طور مقرر می‌دارد که؛ مرد نمی‌تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر در موارد زیر: رضایت زن اول، عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی، عدم تمکین زن از شوهر، ابتلای زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده‌ی ۸، محکومیت زن وفق بند ۸ ماده‌ی ۸، ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر برابر بند ۹

۱. نظریه‌ی شماره‌ی ۱۴۸۸ - ۱۳۶۳/۵/۹.

ماده‌ی ۸، ترک زندگی خانوادگی از طرف زن، عقیم بودن زن، غایب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده‌ی ۸. موارد مذکور در این ماده روشن است. با وجود این با توجه به ماده‌ی ۸ قانون حمایت خانواده که به بندهای مختلف آن در ماده‌ی ۱۶ عطف شده، به‌جا است توضیحاتی در این زمینه داده شود.

۱- ۱- ۴- رضایت زن اول

با توجه به بند اول این ماده، رضایت زن اول لازم و ضروری است ولی می‌توان این ایرادات را به آن وارد کرد که اگر رضایت زن اول لازم باشد، اگر مرد قصد ازدواج مجدد دیگری داشته باشد، شوهر با توجه به ابزارهای اقتصادی و استبدادانه‌ای که دارد می‌تواند به راحتی اجازه‌ی زن دوم را نیز بگیرد که در این صورت این شرط میدان شهوت‌رانی مردانی سبک‌سر خواهد بود و اگر مصلحت فردی و اجتماعی تعدد زوجات مبنای تشریح یا امضای این حق باشد، ما چه‌طوری می‌توانیم مبنای تعدد همسران در روابط خانوادگی متعدد با توجه به عدم محدودیت در خود قانون را توجیه کنیم. دوم این که معمولاً مردان برای این که اعضای خانواده متوجه رابطه‌ی خود با زن دیگر نباشند به‌طور مخفی و دور از دید دیگران با شخص دومی ازدواج می‌کنند که در صورت آشکار شدن، مسئله منجر به تیرگی روابط زناشویی می‌شود و از این به بعد مردان به دنبال کسب رضایت زن اول خود می‌روند. این رابطه‌ی مخفی می‌تواند چندین سال ادامه داشته باشد و کسی هم پی به موضوع نبرد. پس با توجه به این‌گونه وسایل و گسترش راه‌های ارتباط جمعی و فزونی روابط، به‌نظر نمی‌رسد نیازی به رضایت زن اول باشد.

هم‌چنین افرادی می‌توانند با هرگونه ابزار و وسایلی که در اختیار دارند و با استفاده از مهارت اشخاص، اسناد شناسنامه‌ای را جعل کرده و به این طریق در زمان واحد چندین زن را به عقد خود درآورند. پس رضایت زن اول نمی‌تواند به‌عنوان قاعده‌ی محکم و سنگ‌انداز در مسیر جلوگیری از گسترش تعدد زوجات باشد که این موضوع هم می‌تواند موجب سوءاستفاده‌ی افرادی شود که در واقع قصد تشکیل خانواده ندارند و شاید در صدد سوءاستفاده از اعتماد زنان به خود می‌باشند.

بالاخره، آنچه از شرط اول به ذهن متبادر می‌شود؛ این است که شرط عدالت و توازن که مبنای اولیه تعدد زوجات می‌باشد چگونه مراعات می‌شود در حالی که در هیچ کدام این شروط به این شاخصه‌ی مهم توجه نشده است و چون مردان کمتر می‌توانند در احساسات خود توازن را برقرار سازند به نظر می‌آید که شکست عاطفی و سردی روابط بین زن اول و شوهر به وجود می‌آید که در آخر به علت عدم سازگاری زن با این اوضاع و احوال منجر به طلاق خواهد شد.

بازخورد منفی این طلاق و بازگشت آن زن به آغوش خانواده پدری‌اش تأثیری جز افسردگی و سرزنش از سوی اعضای خانواده نخواهد داشت. هرچند که به مفهوم و کلمه‌ی عدالت در ماده‌ی ۱۷ اشاره شده ولی این منوط به احراز دادگاه شده که تشخیص دهد آیا مرد می‌تواند عدالت را رعایت نماید یا نه؟ چنان که ممکن است مرد با تمسک به حيله و زور رضایت زن اول را به دست آورده باشد، درحالی که این مشخصه‌ی مهم باید توسط مرد اثبات گردد.

۲- ۱- ۴- عدم تمکین همسر و ناتوانی او در ایفای وظایف زناشویی

زمانی که این دو مورد در زندگی رخ داد، مرد می‌تواند زن دوم اختیار کند ولی باید این را متذکر شد که در مورد عدم تمکین زن یا خودداری زن از ایفای وظایف زناشویی، مرد می‌تواند با استفاده از ابزارهای قانونی که در دست دارد، مثل عدم پرداخت نفقه یا ارائه دادخواست تمکین، همسر خود را ملزم به انجام وظایفش سازد.

با این توصیف، مرد در وهله‌ی اول نمی‌تواند با احراز این شروط درخواست مجوز برای ازدواج دوم نماید. این قضیه درست مثل قضیه‌ای است که شخصی تعهد انجام کاری را برعهده گرفته است و حال از انجام تعهد سرباز می‌زند. در اینجا شخص در وهله‌ی اول نمی‌تواند یا به عبارت بهتر، به مصلحت‌اش نیست که قرارداد را فسخ نماید. در واقع او می‌تواند با مراجعه به مراجع ذیصلاح اجبار او را از دادگاه بخواهد و اگر مقدور نشد قرارداد را فسخ نماید.

درست است که ازدواج، قرارداد به معنای اصطلاحی نیست ولی در برخی از مواقع

شکل معامله را به خود می‌گیرد مثل حق حبس زن قبل از پرداخت مهریه که در صورت عدم پرداخت مهریه زن می‌تواند از وظایف زناشویی امتناع نماید. همچنین اگر این شرایط برای مرد پیش آید، آیا می‌توان گفت زن می‌تواند شوهر دیگری را اختیار نماید؟

۳- ۱- ۴- ابتلای زن به جنون و امراض صعب‌العلاج

اگر جنون زن مجوز تعدد زوجات است، آیا این وضعیت شامل جنون فسخ نکاح هم می‌شود یا این جنون به غیر از آن است که مجوز فسخ باشد و یا این که ابتلای زن به جنون در هر حال مجوز ازدواج مجدد است.

در ظاهر، قانون‌گذار در بند ۴ ماده‌ی ۱۶ و بند ۶ ماده‌ی ۸ دو مفهوم متعارض را در قانون گنجانده است. از یک طرف، ازدواج مجدد را مشروط به جنون زن کرده و از طرف دیگر، در ماده‌ی ۸ جنون را مجوز طلاق قرار داده که فسخ نکاح ممکن نیست. یعنی چون از حق فسخ در زمان معین که فوری است استفاده نکرده،^۱ حق او ساقط شده است، پس این تعارض چگونه حل می‌شود؟

حل این تعارض به این شکل است که در دو ماده‌ی مذکور دو حق جداگانه برای شخص ایجاد شده است. در واقع، در ماده‌ی ۸ در بند ۶ آن حق فسخ در صورتی است که جنون در حال عقد وجود داشته و شخص به آن عالم بوده و یا اگر عالم نبوده بعد از اطلاع از آن عقد را فسخ نکرده، حق او ساقط می‌شود که در این صورت می‌تواند درخواست گواهی عدم امکان سازش کرده و طبق آن از زن خود طلاق بگیرد و در ماده‌ی ۱۶ حق ازدواج مجدد برای شخص ایجاد شده است که در این صورت تعارضی با هم‌دیگر پیدا نمی‌کنند.

هم‌چنین برای امراض صعب‌العلاج، هنگامی این امر مجوز ازدواج مجدد است که دوام زناشویی برای طرف دیگر در مخاطره باشد و این ایراد را دارد که اگر دوام زناشویی برای شوهر به علت ابتلای زن به امراض صعب‌العلاج باشد و برای مرد موجب مخاطره است به‌جا است که شوهر، حق طلاق داشته باشد و به‌جای این که با ازدواج دوم، خود را در معرض

۱. ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی.

خطر قرار دهد، می‌تواند زن اول خود را طلاق داده و از اثرات منفی بیماری رهایی یابد.^۱ طبق بند ۶ نیز ابتلای زن به هرگونه اعتیاد مضر در موردی مجوز تعدد است که اعتیاد به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانواده خلل وارد کند. چرا به جای این که مرد، زنش را طلاق دهد باید زن دیگری بگیرد و در عین حال، به زندگی با زن اول ادامه دهد.^۲ درباره اعتیاد، این سؤال به ذهن می‌آید که چرا به علت این که اعتیاد عامل اصلی طلاق در کشور می‌باشد^۳ به جای پیشگیری از ابتلای زن به عامل خانمان‌سوز بیابیم مجوز ازدواج مجدد یا طلاق را برای مرد قائل شویم. آیا این دو اختیار از نظر روحی و روانی کمکی به حال زن می‌کند؟ ما می‌توانیم با ارائه‌ی مشاوره و حمایت‌های اجتماعی آثار مخرب اعتیاد را از بطن زندگی کنار بگذاریم و زن را قادر به برگشتن به زندگی سازیم.

می‌خواهیم او را با طرد از زندگی و از روابط شیرین عاطفی ضربه‌ی مهلک‌تر از اعتیاد بر او وارد سازیم. در این‌گونه موارد، زنان بیشتر از مردان نیازمند تأمین اجتماعی و نگرش مثبت عاطفی هستند که شاید بی‌توجهی مرد در کنترل رفت‌وآمد و سلوک زن که به دلیل مشغله‌های کاری و فکری زیاد می‌باشد، او را دچار این عامل خطرناک کرده است.

۴- ۱- ۴- ترک زندگی از سوی زن

ترک زندگی از سوی زن می‌تواند منشأ عواملی باشد که در درون خانواده اتفاق می‌افتد. زنان علی‌القاعده، بدون علت و سبب، زندگی خود را ترک نمی‌کنند. چه کسی از لذات شیرین و لحظات خوش آن دست می‌کشد و زندگی را ترک می‌کند؟ آیا این‌گونه اعمال نشانگر آن نیست که عواملی در زندگی وجود دارد که زن را وادار به گذشت از این آسایش و آرامش می‌کند؟ شاید رفتار و اعمال غیرمتعارف زن و دخالت‌های بی‌مورد اطرافیان باعث خروج زن از باتلاق سرد روابط عاطفی و روانی می‌شود.

در این‌گونه موارد باید صلح و آشتی را برقرار کرد، نه این که به محض ترک زندگی از سوی زن، به مرد مجوز ازدواج مجدد داد. این رفتار، گاهی کینه و خشم را در درون زن

۱ و ۲. صفایی، همان، ش. ۹۲، صص. ۱۰۶- ۱۰۸.

۳. بعد از اعتیاد، نازایی دومین عامل طلاق است، رک: <http://Ghad.com/new/article.php>

افزایش می‌دهد، او را به انسانی انتقام‌جو تبدیل می‌سازد که خواهان برهم‌زدن روابط خانوادگی شکل‌یافته در ازدواج دوم است.

باید بدانیم که هدف از تشکیل خانواده تنها ارضای نیازهای جنسی نمی‌باشد بلکه آسایش و آرامشی که در یک زندگی سالم و به دور از جنجال و هیاهو به انسان دست می‌دهد در هیچ اجتماع دیگری قالب تصور نمی‌باشد. ما در واقع، منکر حقوق مردان نیستیم. می‌خواهیم رویه‌ای ایجاد شود تا بتوانیم نسبت به استحکام بنیان خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین عامل در شکل‌گیری شخصیت بشر در آن و تأثیرگذاری تغییر و تحولاتی که در آن اتفاق می‌افتد در روح و روان کودک یا نوجوان که می‌خواهد وارد یک اجتماع بزرگتر به‌نام جامعه شود و هر روز در آن مسائل جدیدی را نظاره‌گر خواهد بود، بتواند خود را با آن‌ها وفق دهد، کمک کنیم.

۵- ۱- ۴- نازایی زن و عقیم بودن او

اما مهم‌ترین بند این ماده یعنی بند ۸ ماده‌ی ۱۶ که در واقع به یکی از مهم‌ترین عوامل، هم در شکل‌گیری خانواده یعنی تولد نسل و عشق والدین به داشتن فرزند و هم به دومین عامل اصلی بعد از طلاق اشاره دارد که در اینجا مجوز ازدواج مجدد را به شوهر می‌دهد، طبق آمار بین دو تا دوونیم میلیون زوج نابارور در کشور وجود دارد.^۱ با توجه به پیشرفت‌های عظیم پزشکی در حوزه زنان و زایمان و تلاش محققان دنیا و کشورمان در ارائه‌ی راهکارهای جدید باروری و حل مشکلات ناشی از آن به نظر می‌آید راهکار مجوز تعدد زوجات مناسب در حل مشکل نباشد.

زن و مردی که با هزاران امید و آرزو و با عشق و محبت و دلخوش به عبور از اقیانوس پرتلاطم و موج مشکلات زندگی بتوانند به‌راحتی از هم جدا شوند یا این‌که احساسات و عواطف خود را با دیگری شریک شوند، دردآور است.

دولت و سازمان‌های وابسته و مرتبط با مسئله می‌توانند با حمایت‌های مالی و روانی خود و ارائه مشاوره‌های بهداشتی و پزشکی بسیاری از ناباروری‌های موجود در جامعه را حل

1. [http://: fa. Parsi teb. Com/ news.php](http://fa.Parsi.teb.Com/news.php).

کنند.^۱

از یک طرف، افزایش سن ازدواج و بی‌رغبتی جوانان به این مقوله‌ی مهم اجتماعی که دلایل و عوامل خاص خود را دارد از جمله اشتغال، مسکن و عدم پذیرش مسئولیت ناشی از ازدواج و از طرف دیگر، افزایش علاقه جوانان به ادامه تحصیل در مقاطع عالی دانشگاهی و به تبع آن افزایش سن ازدواج که همین عوامل نیز در جوانان جنس دختر تأثیر می‌گذارد، زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که بارداری و زایمان برای آن‌ها ریسک بالایی محسوب می‌شود.

این دسته از عوامل که برخی بستگی به جامعه و برخی بستگی به خود افراد دارد، زمینه‌های آن‌ها را می‌تواند سیاست‌های اشتباه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسئولان کشور به وجود آورد.

۶- ۱- ۴- اطلاق صورت ماده در مورد کلمه همسر

از اطلاق صورت ماده برمی‌آید که همسر دوم می‌تواند شامل موقت و دائم باشد. در اینجا، چه لزومی دارد که ما همسر موقت را مشمول این ماده بدانیم درحالی که بخش جداگانه‌ای در قانون مدنی به آن اختصاص پیدا کرده است و چون امروزه به ازدواج موقت به گونه‌ی دیگری نگریسته می‌شود و متأسفانه همان نگاه هرزه و فاحشه را یدک می‌کشد، گذشته از این‌ها فرزندی که در ازدواج موقت به دنیا می‌آید به علت کوتاه و معین بودن زمان آن بحث حضانت کودک و نفقه او مطرح می‌شود که خود بدتر از تمام چیزهایی است که بر مبنای آن مجوز چندهمسری را صادر کردیم.

فرزند وقتی بزرگتر می‌شود با مفهوم و واقعیتی به نام بی‌پدیری و اجیاناً بی‌مادری روبه‌رو می‌شود که «مادر» اغلب به خاطر ترس از حیا و یا مصلحت، سخنانی را به فرزند القا می‌کند ولی وقتی که فرزند بزرگ می‌شود و احتمالاً حقایق را کشف خواهد کرد چه نگرشی نسبت به انسان و مفهوم پدر و مادر خواهد داشت جز مفهوم خیانت‌کاری یا بی‌غیرتی و

۱. توضیح ماهنامه‌ی «کانون»: جهت کسب اطلاعات بیشتر درخصوص موضوع، رک: بررسی تأسیس حقوقی «مادر جانشین» در تلقیح مصنوعی همین شماره‌ی ماهنامه‌ی «کانون»، صص ۵۶- ۴۰.

مادری که روی به چنین کارهایی می‌آورد و فریب اعتماد و وعده‌های مردان را می‌خورد چه بازخورد منفی در او ایجاد می‌شود.^۱

نتیجه و پیشنهاد

چندزنی که در زمان امضا یا تشریح جزئیات آن مبتنی بر مصالح خاص آن عصر بوده، امروزه به‌طور کلی با توجه به مقتضیات زمانی، مفهوم و کارکرد آن متفاوت شده است. سرپرستی از یتیمان به سازمان بهزیستی و پرورشگاه‌ها واگذار شده، قوانینی چون فرزندخواندگی تصویب شده است که می‌تواند در برخی از اوقات، تنش میان زن و شوهر و خانواده‌ها را از میان بردارد.

در حال حاضر، به‌علت وجود عوامل و مشکلات جامعه که منجر به کاهش ازدواج شده، این معضل برای جوانان نیز به وجود آمده که رغبت چندانی به ازدواج ندارند، تحولات اجتماعی و اقتصادی کشور و دگرگونی‌هایی که در افکار و عقاید و شیوه‌ی زندگی افراد به وجود آمده، کاهش تعدد زوجات و بسنده کردن به یک زن را ایجاب می‌کند.

عوامل مختلف زیر می‌تواند مبنای کاهش این مسئله باشد:

۱ - استقلال زنان در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی که کمتر احساس نیاز به قبول شوهر مشترک می‌کنند.

۲ - در قدیم جمعیت خانواده و کثرت اطفال مطلوب بوده و از این رو چه‌بسا زن اول در صورت نازایی به شوهر توصیه می‌کرد که زن دیگر اختیار کند اما امروزه مردم به گسترش جمعیت خانواده علاقه ندارند.

۳ - در قدیم از کثرت زنان بیشتر برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کردند ولی امروزه نیازی به این امر نیست.

۴ - بالا رفتن سطح زندگی و دشواری تأمین هزینه‌ها و فزونی بیش از حد توقعات زنان و تقویت حس حسادت در آن‌ها زمینه برای محدود کردن یا برچیدن نظام چندزنی را مهیا

۱. رافعی، همان، رک: گزارش‌ها، صص ۳۸ - ۳۹ و ۱۲۴ - ۱۲۵.

کرده است.

بنابراین با توجه به مطالب گذشته، تعدد زوجات می‌تواند ابزاری در دستان مردان توانگری باشد که هیچ قید و بندی برای آن‌ها وجود ندارد و از این طریق می‌توانند همسران متعدد را در اختیار بگیرند و به علت برخورداری از شأن و منزلت اجتماعی بالا یا ثروت کلان احساس زنان را به خرده گیرند. پس باید سیاست‌هایی اتخاذ گردد تا هر چه سریع‌تر تعدد زوجات منطبق با مسائل بنیادین خود به کار گرفته شود.

در آخر، چند راهکار برای جلوگیری از گسترش مسئله‌ی چندزنی و مشکلات ناشی از آن ارائه می‌گردد:

- بررسی دقیق توانایی مالی مرد و اثبات آن توسط خود شخص به طوری که بتواند چند خانواده را در زمان واحد از نظر اقتصادی اداره کند.

- بررسی مصادیق عدالت و انطباق آن با شاخص‌های جدید زندگی.

- تحدید ازدواج مجدد توسط شروط اجتماعی بازدارنده‌ی مادی ضمن عقد نکاح.

- مجازات سردفتران و متعهدین در ازدواج مجدد بدون رضایت زن اول.

- تعیین میزان نفقه و جلوگیری از افراط و تفریط در تعریف چندهمسری.

- توجه به مبانی روانی و جامعه‌شناسی موضوع در صدور مجوز برای ازدواج مجدد.

- توسعه‌ی حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی برای کمک به زنان و مردان نابارور یا معتاد.

- تلاش مسئولان کشور برای از بین بردن سریع موانع ازدواج جوانان.

منابع و مأخذ

فارسی:

۱ - ابوت، پاملا؛ کلر، والاس، *درآمدی بر جامعه‌شناسی (نگرش‌های فمینیستی)*، مترجمان؛ خراسانی، مریم؛ احمدی، حمیده، چ. اول، تهران، دنیای مادر، ۱۳۷۶.

۲ - بابازاده، علی‌اکبر، *مسائل ازدواج و حقوق خانواده*، چ. ۴، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، تهران، ۱۳۷۸.

۳ - حکیم‌پور، محمد، *حقوق زنان در کشاکش سنت و تجدد*، چ. ۲، نغمه‌ی نواندیش، تهران، ۱۳۸۴.

- ۴ - رافعی، طلعت، *تحلیلی بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت*، چ. اول، نشر دانژه، تهران، ۱۳۸۲.
- ۵ - سفیری، خدیجه؛ هدیان، زینب، پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی، سال نهم، ش. اول، *بررسی رابطه تحقیق انتظارات زنان متأهل از همسران‌شان با رضایت زناشویی*، دانشگاه مازندران، نیما، ۱۳۸۸.
- ۶ - صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۷۷)، *حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)*، چ. ۶، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۷ - کار، مه‌رانیگیز (۱۳۷۸)، *ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران*، چ. اول، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- ۸ - گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چ. ۴، نشر نی، تهران.
- ۹ - مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، *نظام حقوق زن در اسلام*، چ. ۱۵، انتشارات صدرا، تهران.

لاتین:

10. CHARLES L . CETTI, comment mistake of fact and mistake of law as defenses to a prosecution for bigamy, 1963, vol .15, MERCER LAW REVIEW, Mercer university MACON Georgia.
11. NIGEL N . T LI & JOYCE C, FAN an uncommon case of bigamy, an uncommon constitutional interpretation, 1990, JOURNAL OF CHINESE LAW.
12. Ralph, Slovenko, legal essay the de facto decriminalization of bigamy, 1978-79, vol 17, JOURNAL OF FAMILY LAW.
13. T. C. HARTLEY, bigamy in the conflict of laws, 1967, vol 16, international and comparative quarterly.

قوانین:

- ۱۴ - جهانگیر، منصور، *قانون مدنی*، چ. ۲۲، نشر دیدار، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۵ - -----، *مجموعه‌ی قوانین با آخرین اصلاحات*، چ. ۲۴، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۵.

منابع اینترنتی:

16. www.IRNON.Com
17. http://: www .hawzah. Net/ per/ magazine / index.htm.
18. www. Semorgh.com/life style.
19. www. 55a.net.
20. http://: daneshnameh. Roshd. Ir/ mavara/ browse- categories.php.
21. www. Ez softech. Com/ omm/ polygamy .asp. why polygamy (multiple wives)is allowed in islam.
22. www. Wynne chambers.co.uk. index.php. Islamic law for family lawyers, ahmad Thomson.
23. www.illinoise divorce.com/pdf/ family- law – article/ marrage pd.
24. www. New.advent.org . bigamy in civil jurisprudence.
25. www. Polygamy page. Files. Word.press.com. polygamy and bigamy and human rights law Samuel chapman.
26. http://: fa. Parsi teb.com/news.php./
27. http://: ghad. Com / new/ article.php.